

ابوطاهر قرمطی: امیر قرمطیان، رباینده

حجرالاسود، قاتل و غارتگر حاجیان

سلیمان بن ابی سعید حسن بن بهرام جَنَابی هَجَری مشهور به ابوطاهر قرمطی از مردم گناوه/ جنابه^۴ فارس^۵ بود. او در سال ۲۹۴ق. زاده شد.^۶ در سال ۳۱۰ق. در ۱۶ سالگی پس از پدر و برادرش از سوی شورای عقدانیه، شورایی مرکب از ۱۲ نفر از رهبران قرامطه^{*}، به رهبری قرامطه بحرین بزرگ برگزیده شد.^۷ از این رو، به او صاحب البحرین می گفتند.^۸ پدر وی ابتدا از مبلغان کیش اسماعیلی بود و در سال ۲۸۶ق. در بحرین به عنوان قرمطی ظهور کرد و شماری از قبایل آن جا به وی پیوستند.^۹

ابوسعید ۱۳ سال بر بحرین و نواحی اطراف آن حکومت کرد و به سبب بدرفتاری با زیردستانش به دست غلامان خود در سال ۳۰۱ یا ۳۰۲ق. کشته شد.^{۱۰} قرامطه شاخه‌ای از اسماعیلیان بودند که در پی اختلاف با عبیدالله بن مهدی، خلیفه فاطمی، بر سر رهبری

پرداختند.^۱ نیز مکاتباتی میان دولت ایران و عربستان از جانب سفیر ایران در مصر صورت گرفت که حاوی اعتراض ایران و پاسخ عربستان بود. این رویداد به قطع روابط ایران و عربستان به مدت پنج سال انجامید و تا سال‌ها جز افرادی اندک، آن هم مخفیانه، کسی از ایران به حج نرفت. در سال ۱۳۲۷ش. به دستور نخست‌وزیر، دیگر بار روابط برقرار و باب حج گشوده شد.^۲ بازگشایی ارتباط و سفر حج ایرانیان بر پایه درخواست و تمایل هر دو کشور به جهت منافع مالی برای عربستان و تمایل شدید ایرانیان برای ادای مناسک حج رخ داد.^۳

◀ منابع

آهنگ حجاز: سید علی رضا حجازی، قم، فارس الحجاز، ۱۳۸۷ش؛ ابوطالب یزدی شهید مروه: سید علی قاضی عسکر، تهران، مشعر، ۱۳۸۴ش؛ الرحلة الحجازیه: محمد لیبب البتنونی، مصر، المطبعة الجمالیه، ۱۳۲۹ق؛ شرح لمعه: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، وجدانی، ۱۳۶۶ش؛ الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت (علیهم السلام): سید محمد غروی، مازج یاسر، بیروت، دار الثقلین، ۱۴۱۹ق؛ خاطرات صدر الاشراف: محسن صدر، وحید، ۱۳۶۴ش.

محمد عسکری



۱. ابوطالب یزدی، ص ۹۰-۱۰۲.

۲. الرحلة الحجازیه، ص ۱۲۵.

۳. خاطرات صدر الاشراف، ص ۴۶۸.

۴. صورة الارض، ج ۲، ص ۲۹۵.

۵. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۹۸؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۴۴.

مراد الاطلاع، ج ۱، ص ۳۴۸.

۶. التنبيه و الاشراف، ص ۳۹۱.

۷. التنبيه و الاشراف، ص ۳۹۱.

۸. اتحاف الوری، ج ۲، ص ۳۷۴.

۹. الجامع فی اخبار القرامطه، ج ۱، ص ۱۹۲.

۱۰. التنبيه و الاشراف، ص ۳۷۸، اتعاط الحنفاء، ج ۱، ص ۱۶۲، ۱۶۵.

گرفت.^۵ وی در برابر آزادی اسیران، واگذاری حکومت بصره و اهواز و بعضی نواحی دیگر را از خلیفه خواست؛ ولی در پی مخالفت خلیفه، اسیران را پس از دریافت ۲۰۰/۰۰۰ دینار آزاد کرد.^۶ برای این که مرکز حکومتش نفوذ ناپذیر باشد، در سال ۳۱۴ق. احساء را به قلعه‌ای مستحکم بدل کرد و آن را مؤمنیه نامید.^۷ این کار در پی برخورد و اختلافی صورت گرفت که میان ساکنان بحرین یعنی هجر و اعضای شورای عقدانیه پیش آمد.^۸

با ادامه غارتگری کاروان‌های حاجیان به دست ابوطاهر در عراق در سال‌های ۳۱۳-۳۱۷ق. هیچ کاروانی از این منطقه به حج نرفت. او در سال ۳۱۵ق. کوفه را تصرف کرد و به خزانه حکومت و آذوقه‌هایی که برای حاجیان یا لشکریان فراهم شده بود، دست یافت.^۹ سپس چندین شهر را تاراج و مالیات‌هایی بر قبایل عرب بین النهرین تحمیل کرد.^{۱۰} او با شکست دادن لشکر عباسی، حتی

۵. تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۲۴۲؛ تاریخ اخبار القرامطه، ص ۲۸؛ القرامطه بین المدّ و الجزر، ص ۴۰۵.
۶. القرامطه بین المدّ و الجزر، ص ۴۰۶؛ الجامع فی اخبار القرامطه، ج ۱، ص ۲۱۲.

۷. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۱۵.

۸. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۱۴-۱۱۵.

۹. الکامل، ج ۸، ص ۱۴۷؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۴۶۹-۴۷۰.

۱۰. نک: الکامل، ج ۸، ص ۱۸۱؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۷۱.

اسماعیلیان از آنان جدا شدند.^۱

قرمطیان از غالیان شیعه^۲ اسماعیلی بودند که رئیسشان حمدان، خود را امام منتظران دانست و قبله را بیت المقدس شمرد و به جای جمعه روز دوشنبه را تعطیل دانست. نیز بیشتر احکام الهی مانند نماز و روزه را تغییر داد و شراب را حلال شمرد و به جای غسل جنابت وضو را کافی خواند. آنان مخالفانشان را محارب و واجب القتل می‌دانستند.^۳ مرحوم کلینی در رد عقاید آنان کتابی به نام *الرد علی عقائد القرامطه* نگاشته است.

ابوطاهر پس از تثبیت قدرت و سرکوبی مخالفان، در سال ۳۱۱ق. هجوم به قلمرو عباسیان را آغاز کرد و شماری از شهرهای عراق را غارت نمود تا به نزدیکی بغداد پایتخت عباسیان رسید؛ ولی از آنجا بازگشت.^۴

◀ ابوطاهر و غارت حاجیان: او در ۱۲

محرم سال ۳۱۲ق. به کاروانیان حج دستگاه خلافت عباسی که در راه بازگشت به عراق بودند، حمله کرد و با غارت اموال حاجیان، ابوالهیجاء عبدالله بن حمدان، امیر قافله، و احمد بن بدر، عموی مادر خلیفه، را به اسارت

۱. اتعاظ الحنفاء، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۱۴.

۳. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۱۰-۱۱۱.

۴. تجارب الامم، ج ۵، ص ۲۵۱-۲۵۲؛ الکامل، ج ۸، ص ۱۵۶.

که البته اغراق آمیز به نظر می‌رسد. در این هجوم، ابوطاهر، مست بر اسبی سوار بود و شمشیری عریان در دست داشت و حتی اسب او نزدیک خانه خدا ادرار کرد.^{۱۱}

قرمطیان به دستور ابوطاهر، مکه را در معرض سنگدلی خود قرار دادند و اشیای گرانبهای کعبه را ربودند. به فرمان وی، در کعبه را کتندند؛ پوشش کعبه را برداشته، میان اصحاب خود قطعه قطعه نمودند؛ قبه روی چاه زمزم را ویران کردند؛ و خواستند ناودان بیت را از جای برکنند؛ اما مأمور این کار سقوط کرد و مُرد.^{۱۲} آنان آثار خلفا را که مایه زینت کعبه بود، غارت کردند. «درة الیتیم» را که ۱۴ مثقال طلا بود و نیز ۱۷ قندیل نقره‌ای و سه محراب نقره‌ای را که از قامت انسان کوتاه‌تر بود و بالای کعبه نهاده بودند، به تاراج بردند.^{۱۳} در کشتار حاجیان، چندین تن از دانشمندان و محدثان نیز در حال طواف کشته شدند.^{۱۴} احمد بن محمد بن حسن مرار، معروف به صنوبری حلبی، که خود شاهد این قتل عام بوده، در سوگک زائران مکه مرثیه‌ای سروده است.^{۱۵}

حاکم مکه، محمد بن اسماعیل ملقب به ابن

بغداد را نیز تهدید نمود.^۱ اما نیروهای او پس از ناکامی در ورود به شهر بغداد، بیشتر مناطق عراق را غارت کردند. در آن سال، بر اثر ناامنی هیچ کس توفیق زیارت خانه خدا را نیافت.^۲

ابوطاهر در سال ۳۱۷ق. بر پایه نقشه و توطئه‌ای حساب شده به کاروان‌هایی که از طریق عراق رهسپار مکه بودند، حمله نکرد. از این رو، کاروان عراق به سرپرستی منصور دیلمی بدون مزاحمت به مکه رسید.^۳ سپس ابوطاهر در هشتم ذی‌حجه (روز ترویبه)^۴ به مکه حمله کرد و سپاهیان به کشتار حاجیان در کوچه‌های مکه، مسجدالحرام و درون کعبه پرداختند.^۵ آنان ۱۷۰۰ نفر از حاجیان را در حال طواف کشتند.^۶ سپس پرده‌های کعبه را به غارت بردند و چاه زمزم را از کشتگان انباشتند.^۷ تعداد کشته‌شدگان را به اختلاف ۳۰۰۰،^۸ ۱۰/۰۰۰،^۹ و ۳۰/۰۰۰ نفر^{۱۰} دانسته‌اند

۱. تجارب الامم، ج ۵، ص ۲۵۱-۲۵۲؛ الجامع فی اخبار القرامطه، ج ۱، ص ۲۱۲.

۲. الکامل، ج ۸، ص ۱۵۶؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۴۷۰.

۳. البدایة و النهایة، ج ۱۱، ص ۱۷۹-۱۸۱.

۴. التنبيه و الاشراف، ص ۲۸۵.

۵. البدایة و النهایة، ج ۱۱، ص ۱۸۲.

۶. تاریخ الاسلام، ج ۲۳، ص ۳۸۰.

۷. تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۲۶۴؛ تاریخ گزیده، ص ۳۳۹.

۸. تاریخ گزیده، ص ۳۴۰.

۹. تکملة تاریخ طبری، ص ۶۲.

۱۰. التنبيه و الاشراف، ص ۳۸۵.

۱۱. اتحاف الوری، ج ۲، ص ۳۷۴.

۱۲. تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۲۶۳-۲۶۴؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۳، ص ۳۸۰؛ الکامل، ج ۵، ص ۱۱۸.

۱۳. تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۱۱۹؛ المنتظم، ج ۱۳، ص ۲۸۱-۲۸۲.

۱۴. اتحاف الوری، ج ۲، ص ۳۷۶.

۱۵. دیوان، صنوبری، ص ۵۰۳.

کارهای ابوطاهر در مکه و ربودن حجرالاسود باعث شد تا در سراسر جهان اسلام، به ویژه ایران و عراق، مبارزه‌ای جدی ضد قرمطیان و اعتقادات نادرست آنان آغاز شود. در این میان، عبیدالله بن مهدی، خلیفه فاطمی (۲۹۷-۳۲۲ق.) در نامه‌ای به سرزنش ابوطاهر پرداخت و کار او را لکه سیاهی بر دامن اسماعیلیان دانست که با گذشت زمان نیز پاک نخواهد شد.^۷

رایزنی‌های عباسیان و فاطمیان برای بازگرداندن حجرالاسود تا پایان حکومت ابوطاهر بی نتیجه ماند و پیشنهاد ۵۰/۰۰۰ دیناری خلیفه نیز رأی وی را تغییر نداد.^۸ در سال ۳۳۷ق. هفت سال پس از مرگ او، به تهدید منصور خلیفه فاطمی، حجرالاسود پس از ۲۲ سال به مکه بازگردانده شد.^۹ هدف ابوطاهر از ربودن حجرالاسود، از میان بردن احترام مکه، تخریب اماکن مقدس و ربودن نمادهای اصلی مراسم مذهبی بود. او می‌خواست احساء به مکانی مقدس تبدیل شود و مراسم حج در آن جا صورت گیرد.^{۱۰}

ابوطاهر در خلال سال‌های ۳۱۸ تا ۳۲۷ق.

میخلب، آن‌گاه که از رویارویی با نیروهای ابوطاهر ناتوان شد، همراه بزرگان مکه نزد او آمد تا برای توقف کشتار مردم و بازگرداندن اموال شفاعت بخواند؛ اما وی این درخواست نپذیرفت و دستور داد تا اجساد کشته‌شدگان را در چاه زمزم بریزند.^{۱۱} بر پایه گزارش مشهور، کنده شدن حجرالاسود در سیزدهم ذی‌حجه به دست قرامطه با هدف هتک حرمت کعبه^{۱۲} و انتقال آن به احساء در همین ماجرا رخ داد.^{۱۳} در پی آن، حاکم مکه با نیروهای خود به تعقیب قرامطه پرداخت و از آنان خواست که در برابر دریافت همه اموال مکیان، حجرالاسود را به جای خود بازگردانند. با رد این درخواست، درگیری میان دو طرف آغاز شد و با قتل حاکم مکه پایان یافت^{۱۴} و حجرالاسود به بحرین انتقال یافت. آورده‌اند که زیر حجرالاسود هنگام حمل آن به بحرین ۴۰ شتر هلاک شدند. بدین سان، جای حجرالاسود در گوشه کعبه خالی ماند و مردم جای خالی آن را استلام می‌کردند و بدان تبرک می‌جستند.^{۱۵}

۱. التنبیه و الاشراف، ص ۳۸۵؛ الکامل، ج ۸، ص ۲۰۷.

۲. الکامل، ج ۸، ص ۲۰۷-۲۰۸.

۳. تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۱۱۹.

۴. تاریخ گزیده، ص ۳۳۹-۳۴۰؛ آثار البلاد، ص ۲۳۵.

۵. الکامل، ج ۸، ص ۲۰۷-۲۰۸؛ البداية و النهایه، ج ۱۱، ص ۱۸۲.

۶. تاریخ الاسلام، ج ۲۳، ص ۳۸۰-۳۸۱؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۳۷۸.

۷. نهضت قرامطه، ص ۸۵.

۸. البداية و النهایه، ج ۱۱، ص ۱۱۸.

۹. نک: الکامل، ج ۸، ص ۴۸۶؛ تاریخ الاخبار قرامطه، ص ۵۷.

۱۰. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۹۸-۱۹۹؛ نک: آثار البلاد، ص ۲۳۵.

چندین بار به کاروان حاجیان حمله کرد. او در سال ۳۲۳ق. به خلیفه پیغام داد که اگر هر ساله ۱۲۰/۰۰۰ دینار پول و خواربار برای او بفرستد، دست از غارت کاروان‌ها برخواهد داشت؛ ولی گویا خلیفه آن را نپذیرفت.^۱ سرانجام در سال ۳۲۷ق. با میانجیگری ابوعلی عمر بن یحیی علوی که با ابوطاهر دوستی داشت، از سرگیری حج در برابر پرداخت مبالغی از خلافت عباسی و دریافت خفاره (حق نگهبانی) از حاجیان ممکن شد.^۲

سرانجام ابوطاهر پس از ۲۱ سال حکومت در سال ۳۳۲ق. به مرض آبله درگذشت.^۳ برخی از کشته شدن او به دست پیر زنی در هیت، در شمال عراق، خیر می‌دهند.^۴ اما دیگر منابع این گفته را تأیید نمی‌کنند. با مرگ وی و ستیز بر سر جانشینی او، حکومت قرامطه بحرین اقتدار خود را از دست داد و دچار انشعاب شد.^۵

ابوطاهر از شعر هم بهره‌ای داشت و در قطعه شعری که به او منسوب است، از بلند پروازی‌های خود و این که داعی مهدی فاطمی است، خیر داده است. نیز پس از ربودن

حجرالاسود در سال ۳۱۷ق. شعرهایی از وی نقل شده است.^۶

◀ منابع

اتحاف الوری باخبار ام القرى: عمر بن محمد بن فهد (م. ۸۸۵ق.)، به کوشش فهیم محمد، قاهره، سفنکس، ۳۷۵ق؛ اتعاض الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين: المقریزی (م. ۷۶۶ق.)، به کوشش الشیال، قاهره، ۱۴۱۶ق؛ اخبار القرامطه: ثابت بن سنان الصابی (م. ۳۶۵ق.)، به کوشش سهیل زکار، بیروت، الرسالة - دار الامانه، ۱۳۹۱ق؛ آثار البلاد و اخبار العباد: زکریا بن محمد القزوینی (م. ۶۸۲ق.)، ترجمه: میرزا جهانگیر، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۳ش؛ البدایة و النهایة: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ ابن خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، به کوشش خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ تاریخ گزیده: حمدالله مستوفی، به کوشش نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ش؛ تجارب الامم: ابوعلی مسکویه (م. ۴۲۱ق.)، به کوشش امامی، تهران، سروش، ۱۳۷۹ش؛ تکملة تاریخ الطبری: محمد بن عبدالملک المقدسی (م. ۵۲۱ق.)، به کوشش البرت یوسف، بیروت، المطبعة الکاثولیکیه، ۱۹۶۱م؛ التنبییه و الاشراف: المسعودی

۱. قمرطیان بحرین، ص ۳۰-۷۱.

۲. العیون و الحدائق، ج ۴، بخش ۱، ص ۳۳۳.

۳. الکامل، ج ۸، ص ۴۱۵؛ نهایة الارب، ج ۲۵، ص ۲۴۰.

۴. الفرق بین الفرق، ص ۱۷۳.

۵. القرامطه بین الائتزام و الانکار، ص ۹۸.

۶. نک: النجوم الزاهرة، ج ۳، ص ۲۲۴-۲۲۶.

ابوظلحه انصاری: از اصحاب پیامبر ﷺ

و گورکن قبرستان بقیع

زید بن سهل بن اسود، مشهور به ابوظلحه انصاری، از تیره بنی نجار خزرج^۱ و مادرش عباده دختر مالک بن عدی بود.^۲ از زندگی روزگار جاهلی وی گزارشی در دست نیست. در بیعت عقبه دوم به سال سیزدهم بعثت حضور داشت و از سوی پیامبر ﷺ به عنوان یکی از نقیبان دوازده گانه اوس و خزرج برگزیده شد.^۳ پیامبر ﷺ پس از هجرت، میان او و ارقم بن ابی ارقم^۴ و بر پایه گزارشی، ابو عبیده^۵ بن جراح پیمان برادری بست.^۶

ابوظلحه در همة غزوه‌ها همراه پیامبر ﷺ بود و از تیراندازان زبردست ایشان به شمار می‌رفت. از آن جا که بانگی مهیب داشت، پیامبر ﷺ نهیب او را از نیروی ۱۰۰۰ مرد برتر دانست.^۷ در نبرد بدر به سال دوم ق. حضور یافت^۸ و در اُحد به سال سوم ق. نقشی مؤثر داشت. در این جنگ پیشاپیش رسول خدا تیر

(م. ۳۴۶ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۸۹۳ م؛ الجامع فی اخبار القرامطة فی الاحساء: سهیل زکار، دمشق، احسان، ۱۴۰۷ ق؛ دیوان صنوبری: احمد بن محمد صنوبری، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۷۰ م؛ سفرنامه ناصر خسرو: ناصر خسرو (م. ۴۸۱ ق.)، تهران، زوار، ۱۳۸۱ ش؛ صورة الارض: محمد بن حوقل النصیبی (م. ۳۶۷ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۳۸ م؛ العیون و الحدائق فی اخبار الحقائق: ناشناس (م. ۳۵۱ ق.)، بغداد، مکتبة المثنی؛ الفرق بین الفرق: عبدالقاهر بن طاهر البغدادی (م. ۴۲۹ ق.)، به کوشش محمد زاهد، قاهره، ۱۳۶۷ ق؛ القرامطة بین الالتزام و الانکار: عارف تامر، دمشق، دار الطلیعة الجدیدة، ۱۹۹۷ م؛ قرمطیان بحرین و فاطمیان: دخویه، ترجمه: امیرخانی؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق؛ مواصد الاطالع: صفی السدین عبدالؤمن بغدادی (م. ۷۳۹ ق.)، بیروت، دار الجبل، ۱۴۱۲ ق؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ ق؛ النجوم الزاهرة: ابن تغری بردی الاتابکی (م. ۸۷۴ ق.)، مصر، وزارة الثقافة و الارشاد القومي؛ نهابة الارب: احمد بن عبدالوهاب النویری (م. ۷۳۳ ق.)، قاهره، دار الکتب و الوثائق، ۱۴۲۳ ق؛ نهضت قرامطه: دخویه، استرن، مادلونگ، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، میراث ملل، ۱۳۶۸ ش.

سید حسن قریشی



۱. المعارف، ص ۴۷۱؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۵۵۳؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۲۳۴.
 ۲. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۴؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۵۵۳-۵۵۴.
 ۳. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۴؛ تهذیب الکمال، ج ۱۰، ص ۷۵.
 ۴. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۵.
 ۵. اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۲۲.
 ۶. المغازی، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۳؛ الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۴؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۹۷-۱۶۹۸.
 ۷. جمهرة انساب العرب، ص ۳۲۷؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۲۴.